

نقش میانجی سبک های فرزندپروری در ارتباط تعارض کار-خانواده مادران شاغل با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال

سیده فاطمه سید علی پور^۱ دکتر سمانه بهزاد پور^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تعارض کار-خانواده مادران شاغل و استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال با نقش میانجی سبک های فرزندپروری می باشد. جامعه آماری شامل مادران شاغل دارای کودکان ۴ تا ۷ سال در شهر بابل در سال ۱۴۰۳ بود. نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش در دسترس انتخاب شد. ابزار های پژوهش شامل پرسشنامه تعارض کار-خانواده کارلسون و همکاران (۲۰۰۰)، پرسشنامه استفاده آسیب زای کودک از وسایل دیجیتال محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱) و پرسشنامه سبک های فرزندپروری رایبسون و همکاران (۲۰۰۱) بود. داده ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در نرم افزارهای SPSS ۲۷ و AMOS ۲۲ تحلیل شدند. نتایج نشان داد تعارض کار-خانواده، رابطه مثبت و معناداری با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال دارد ($r=0.79, p<0.001$). (همچنین تعارض کار-خانواده رابطه منفی با سبک فرزندپروری مقتدرانه ($r=-0.31, p<0.001$) و رابطه مثبت با سبک های مستبدانه ($r=0.33, p<0.001$) و سهل گیرانه ($r=0.29, p<0.001$) دارد. رابطه سبک فرزندپروری مقتدرانه و استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال معنادار بدست نیامد ($r=-0.05, p=0.13$). متغیر سبک فرزندپروری مستبدانه و استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال توسط کودکان رابطه معناداری دارد ($r=0.48, p<0.001$). رابطه سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال نیز معنادار است ($r=0.38, p<0.001$). (از میان سبک های فرزندپروری، تنها سبک مستبدانه نقش میانجی نسبی در رابطه بین تعارض کار-خانواده و استفاده آسیب زای کودک از وسایل دیجیتال نشان داد ($p<0.001$), $\beta=0.9$). یافته ها نشان می دهد که تعارض کار-خانواده مادران می تواند با افزایش سبک فرزندپروری مستبدانه و در نتیجه افزایش احتمال استفاده آسیب زای کودک از وسایل دیجیتال همراه باشد. این نتایج بر ضرورت مداخلات حمایتی برای کاهش تعارض کار-خانواده و بهبود شیوه های فرزندپروری تأکید دارد.

واژگان کلیدی: استفاده آسیب زای کودک از وسایل دیجیتال، تعارض کار-خانواده، سبک های فرزندپروری، مادران شاغل

مقدمه

یکی از تغییرات قابل توجه در محیط اجتماعی قرن حاضر تحت تاثیر قرار گرفتن فرهنگ و زندگی افراد توسط وسایل دیجیتال و فناوری های جدید (مثل تلویزیون، تلفن های هوشمند، دی وی دی، کنسول بازی های ویدئویی، رایانه و تبلت) می باشد (شلائی و همکاران، ۱۴۰۰). اگرچه استفاده هدفمند و کنترل شده از وسایل دیجیتال با کیفیت می تواند اثرات خوبی به همراه داشته باشد، اما استفاده بیش از حد از این وسایل با آسیب های فیزیکی، رفتاری و شناختی در ارتباط است.

استفاده افراطی از وسایل دیجیتال می تواند سبب تداخل در فرصت های یادگیری و رشد شود و استفاده زیاد از این وسایل به عنوان یکی از علل اصلی مشکلات عدم برقراری ارتباط در زندگی و همچنین آسیب های فیزیکی، رفتاری و شناختی در نظر گرفته می شود (Capdevila, ۲۰۲۲). استفاده از فناوری دیجیتال با کمبود توجه، رفتارهای پر خاشگرانه، عدم تحرک بدنی، چاقی و مشکلات خواب در کودکان پیش دبستانی و مدرسه همراه بوده است.

استفاده افراطی از این وسایل علاوه بر کمبود توجه، چاقی و رفتار پر خاشگرانه در کودکان، باعث می شود کودکان از زمان خود به طور ناکارآمد استفاده کنند. همچنین باید به تأثیرات شناختی و عاطفی این فناوری ها بر رشد کودکان توجه داشت (Brown, ۲۰۱۱). استفاده بیش از حد از وسایل دیجیتال و فناوری در اوایل کودکی باعث تأخیرهای شناختی، زبانی و اجتماعی/عاطفی می شود (Pagani, ۲۰۱۰).

مطالعات نشان داده اند افزایش میزان استفاده از فناوری های جدید تحت تاثیر عوامل مختلفی چون مزاج کودک (ویژگی های سرشتی)، سبک های فرزندپروری، ویژگی های والدین، ساختار خانه و تعامل والد-کودک می باشد و همچنین میزان استفاده والدین و کودکان از این وسایل با هم همبستگی دارند (شلائی و همکاران، ۱۴۰۰).

یکی از متغیرهای مربوط به والدین که می تواند بر استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال اثر بگذارد، تعارض کار-خانواده در مادران شاغل است (Kim & Yang, ۲۰۲۱). تعارض کار و خانواده یک فشار بین نقشی است که از دو بعد در زندگی شامل کار و خانواده ناشی می شود که به این معنی است تنش و فشار زمان در محل کار بر زندگی خانوادگی تأثیر می گذارد (Gomes, ۲۰۲۴).

تعارض کار-خانواده در مادران شاغل زمانی رخ می دهد که تقاضا های کاری با کاهش تعهد و انرژی فرد، توانایی او را برای ایفای نقش های خانوادگی کاهش دهد (Greenhaus, ۱۹۸۵). مادرانی که در بازار کار هستند، تحت فشار قابل توجهی برای پاسخگویی به نیازهای کار و خانواده خود می باشند (Artakaz, ۲۰۰۷). از چشم انداز مدل های سرریز و متقاطع در سیستم خانواده، تعارض کار-خانواده مادر می تواند بر رفتار مشکل ساز کودک تأثیر بگذارد. مادران شاغل

نسبت به برآورده کردن خواسته های ناسازگار کار و خانواده تحت فشار هستند. کودکان مادران شاغل نیز گزارش کردند که از شاغل بودن مادران خود خسته و تحت استرس هستند (Kinkead, ۲۰۱۷).

نتایج پژوهش لام نشان داد که رفتارهای مشکل ساز مانند اعتیاد به اینترنت و وسایل دیجیتال یکی از راه های کاهش تنش یا استرس ناشی از شاغل بودن مادران است (Lam, ۲۰۱۴). این نتایج نشان می دهد که در سیستم خانواده، هیجانات منفی مادر

ناشی از تعارض کار-خانواده وی به کودک منتقل می شود و این هیجانات منفی می توانند به رفتارهای مشکل ساز کودک دامن بزنند (Venkatesh, ۲۰۱۹).

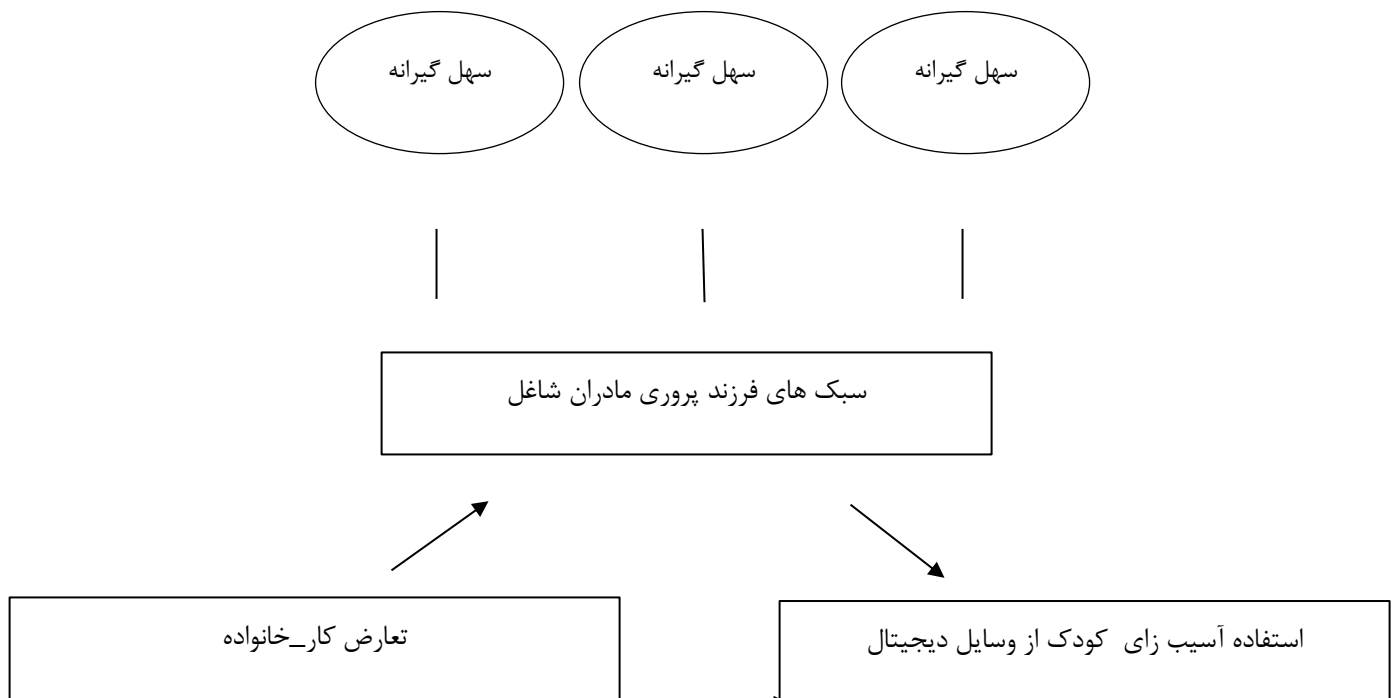
در حالی که پژوهش ها ارتباط بین تعارض کار-خانواده مادر را با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال نشان داده اند، به مکانیزم هایی که می توانند در بین این دو متغیر نقش واسطه ای داشته باشند کمتر پرداخته شده است. به نظر می رسد یکی از این متغیرها، سبک های فرزندپروری باشد. سبک های فرزندپروری را اولین بار بامریند بیان کرد. بامریند سبک های فرزندپروری والدین را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱-والدین مستبد که بر اطاعت، همنوایی و احترام به مرجع قدرت تأکید

دارند و محبت خیلی کمی از خود نشان می دهند. ۲-والدین سهل گیر که از کودکان خود توقعات بسیار پایینی دارند، با رفتارهای بد کودکان مقابله نمی کنند و عموماً گرم و پذیرا هستند. ۳-والدین مقتدر که بر اساس قواعد و مقررات بر رفتارهای کودکان نظارت می کنند، رفتارهای بد فرزندان را اصلاح می نمایند، تشویق کننده فردیت و روابط باز متقابل هستند و رفتارهای گرم و حمایتی دارند (Baumrind, ۱۹۷۱). پژوهش های گذشته اشاره دارد که سطوح بالای تعارض کار-خانواده با فعالیت های کم تفریحی خانواده و عملکرد ضعیف خانواده ارتباط دارد (Lau, ۲۰۰۹).

اگرچه پژوهش های کمی، یک ارتباط واضحی بین تعارض کار-خانواده و رفتار فرزند پروری بدست آوردند، شواهدی وجود دارد که نشان می دهند تعارض بالای کار-خانواده والدین با سطوح پایین فرزندپروری گرم و مقتدر، فرزندپروری تحریک پذیر (Cooklin, ۲۰۱۴) و کیفیت پایین رابطه والد-فرزند در ارتباط است (Vieira, ۲۰۱۶). از سوی دیگر پژوهش ها نشان می دهند که سبک فرزندپروری والدین می تواند بر استفاده کودکان از وسایل دیجیتال اثرگذار باشد. سبک های فرزندپروری مقتدرانه با کاهش میزان استفاده از وسایل دیجیتال در کودکان پیش دبستانی (Schary, ۲۰۱۲) و سبک های فرزندپروری سهل گیرانه با افزایش میزان استفاده از وسایل دیجیتال در اوایل دوران کودکی مرتبط است (Seguin, ۲۰۲۱).

با توجه به اینکه تعارض کار-خانواده مادر می تواند بر سبک های فرزندپروری اثرگذار باشد و از سوی دیگر، سبک فرزندپروری مادر می تواند استفاده کودک از وسایل دیجیتال را تحت تأثیر قرار دهد، هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش واسطه ای سبک های فرزندپروری در رابطه بین تعارض کار-خانواده و استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال است.

مادران شاغلی که از سبک فرزندپروری مقتدرانه پیروی می کنند، به دلیل اجرای قانون و مقررات در یک چهارچوب مشخص و انتقال این قوانین به فرزندان خود از طریق گفت و گو، کودک می داند که از وسایل دیجیتال باید در یک زمان محدود و به دلایل خاص استفاده کند و اجازه استفاده بیشتر از آن وسایل را ندارد. در حالی که مادران شاغلی که از سبک فرزندپروری مستبدانه پیروی می کنند، به دلیل اجرای قوانین خیلی سفت و سخت و بدون انعطاف و گفت و گو و با محدودیت های زیاد همراه با تنبیه، فرزندان را برای رهایی از این فشار و استرس وارد شده از جانب مادر به سمت استفاده از وسایل دیجیتال می روند. از طرفی دیگر ما سبک فرزندپروری سهل گیرانه را داریم که در اینجا مادر به دلیل اعمال نکردن هیچ قانونی در خانه و بدون هیچ سخت گیری معقول، کودک را به سمت استفاده از وسایل دیجیتال بدون هیچ محدوده زمانی خاصی، هدایت می کند (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و با هدف بررسی رابطه میان متغیرها و نقش میانجی سبک های فرزندپروری انجام شده است. جامعه آماری شامل مادران شاغل تمام وقت دارای کودکان ۴ تا ۷ سال ساکن بابل در سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه براساس فرمول پلنت ($N > 50 + 8M$) برابر ۱۲۲ نفر محاسبه شد؛ اما با توجه به احتمال ریزش، حجم نمونه به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه گیری، در دسترس بود. معیار ورود شامل رضایت آگاهانه، زندگی مشترک والدین، عدم گزارش اختلال روان پزشکی از سوی مادر بود و معیار خروج هم شامل پرسشنامه ناقص یا مخدوش بوده است. برای سنجش متغیرها از ابزار های استاندارد پرسشنامه تعارض کار-خانواده کارلسون و همکاران (۲۰۰۰) که شامل ۱۸ ماده و ۶ خرده مقیاس است با پایایی ۰/۸۴ تا ۰/۹۲، پرسشنامه استفاده آسیب زای کودکان از ابزار دیجیتال (محمدزاده و همکاران، ۱۴۰۱) که دارای ۱۰ ماده و دو بعد کنترل مختل و اختلال اجتماعی، با پایایی ۰/۸۵ و پرسشنامه سبک های فرزندپروری رابینسون و همکاران (۲۰۰۱) به اختصار به آن PSDQ می گویند شامل سه سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه می باشد با پایایی ۰/۷۰ تا ۰/۹۰، استفاده شد.

پرسشنامه ها به صورت آنلاین و کاغذی تکمیل شدند. پیش از جمع آوری داده ها، اهداف پژوهش، محرمانگی و حقوق شرکت کنندگان توضیح داده شد. این مطالعه دارای کد اخلاق دانشگاهی IR.ACECR.USC.REC.۱۴۰۳،۱۰۰ بود. تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. از روش همبستگی اسپیرمن برای ارتباط متغیرها استفاده شد. تحلیل مسیر و Bootstrap با ۵۰۰۰ باز نمونه گیری برای آزمون نقش میانجی استفاده شد و همچنین از نرم افزارهای SPSS ۲۷ و AMOS ۲۲ استفاده شدند.

یافته ها

میانگین سنی مادران ۳۶/۸۹ سال، میانگین مدت ازدواج ۱۲/۹۶ سال و میانگین سن فرزندان ۵/۵۶ سال بود (جدول ۱). بیشترین فراوانی در تحصیلات مادر مربوط به کارشناسی با ۹۷ نفر (۴۷/۵ درصد) بود. بیشترین فراوانی مربوط به تعداد فرزندان نیز مربوط به افراد دارای یک فرزند بود که ۱۲۱ نفر (۶۰/۵ درصد) از مادران را شکل می داد. تعداد دختران نیز کمی بیشتر از پسران با ۱۰۸ نفر (۵۴ درصد) در مقابل ۹۲ نفر (۴۶ درصد) بود (جدول ۲).

در جدول ۳ به ارایه اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش و پایداری عامل ها در ابزار های سنجش آن توسط آلفای کرونباخ پرداخته شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، میانگین تعارض کار-خانواده $16/66 \pm 53/59$ و نمره کل استفاده آسیب زا از وسایل دیجیتال $21/42 \pm 7/85$ حاصل شد. در سبک های فرزند پروری نیز سبک فرزند پروری مقتدرانه $8/48 \pm 60/44$ ، سبک فرزندپروری مستبدانه $6/04 \pm 20/20$ و سبک فرزند پروری سهل گیرانه $2/85 \pm 11/12$ را نشان داد. میزان آلفای کرونباخ نیز برای سوالات متغیرها به جز سبک فرزند پروری سهل گیرانه که از $0/70$ کمتر بوده و نیاز به بررسی داشت، در بقیه موارد از پایداری خوب و عالی برخوردار بود.

بر اساس نتایج جدول ۴ اگرچه چولگی و کشیدگی متغیرها به دلیل قرارگیری چولگی در بازه $(+2 - -2)$ و کشیدگی در بازه $(+3 - -3)$ انحراف جدی از نرمال بودن را نشان نداد، اما آزمون شاپیرو-ویلک و معنی داری آن و نمودارهای qq-plot و هیستوگرام، فرض نرمالیتی را رد می کند.

تعارض کار-خانواده با استفاده آسیب زای دیجیتال رابطه مثبت و قوی داشت ($r=0/79$). تعارض کار-خانواده با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی داشت ($r=-0/31$). تعارض کار-خانواده با سبک های مستبدانه ($r=-0/33$) و سهل گیرانه ($r=0/29$) رابطه مثبت داشت. رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و استفاده آسیب زا از وسایل دیجیتال توسط فرزندان معنادار بدست نیامد ($r=-0/13$). استفاده آسیب زای کودک از وسایل دیجیتال با سبک مستبدانه ($r=0/48$) و سهل گیرانه ($r=0/38$) رابطه مثبت داشت. با استفاده از تحلیل مسیر میانجی گری متغیر ها بررسی شد. سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش میانجی گری ایفا نکرد. سبک فرزندپروری مستبدانه، میانجی گری نسبی ایفا کرد و سبک فرزندپروری سهل گیرانه هم نقش میانجی گری ایفا نکرد (جدول ۵).

در جدول ۶ مسیر های مستقیم و غیر مستقیم و ضرایب آن ها ارائه گردیده است. بر اساس این نتایج و عدم معنی داری اثر غیر مستقیم بوت استریپی و معنی داری اثر مستقیم مثبت تعارض کار بر روی استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال ($\beta = 0/92, P\text{-value} < 0/001$)، سبک فرزند پروری مقتدرانه در ارتباط بین تعارض کار با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال نقش واسطه ای را نداشته و فقط مسیر مستقیم قابل دفاع است. ارتباط بین تعارض کار-خانواده با فرزند پروری مقتدرانه نیز ارتباط منفی و معنی داری را نشان داد ($\beta = -0/32, P\text{-value} < 0/001$).

در جدول ۷ مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم و ضرایب آنها ارائه گردیده است. بر اساس این نتایج که شامل معنی داری اثر غیر مستقیم بوت استریپی و معنی داری اثر مستقیم مثبت تعارض کار-خانواده بر روی استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال ($\beta = 0/90, P\text{-value} < 0/001$)، سبک فرزند پروری مستبدانه در ارتباط بین تعارض کار-خانواده با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال نقش واسطه ای نسبی را داشت. ارتباط بین تعارض کار-خانواده با فرزند پروری مستبدانه نیز ارتباط مثبت و معنی داری را نشان داد ($\beta = 0/41, P\text{-value} < 0/001$).

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی کمی افراد شرکت کننده در پژوهش

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
سن مادر	۲۴	۵۵	۳۶/۸۹	۵/۹۹
مدت زمان ازدواج	۵	۳۰	۱۲/۹۶	۵/۳۸
سن فرزند	۴	۷	۵/۵۶	۱/۱۲

جدول ۲- اطلاعات جمعیت شناختی کیفی افراد شرکت کننده در پژوهش

متغیر	رده	فراوانی	درصد
تحصیلات مادر	دیپلم	۱۱	۵/۵
	کارشناسی	۹۷	۴۷/۵
	کارشناسی ارشد	۷۸	۳۹
	دکتری	۹	۴/۵
	بالتر از دکتری	۶	۳
تعداد فرزندان	یک فرزند	۱۲۱	۶۰/۵
	دو فرزند	۷۴	۳۷
	سه فرزند	۵	۲/۵
جنسیت	پسر	۹۲	۴۶
	دختر	۱۰۸	۵۴

جدول ۳- اطلاعات توصیفی و پایایی تعارض کار - خانواده، استفاده آسیب زا کودک از وسایل دیجیتال و سبک های فرزند

پروری					متغیر
کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ	
۱۹	۸۰	۵۳/۵۹	۱۶/۶۶	۰/۸۹	تعارض کار- خانواده
۹	۵۰	۲۱/۴۲	۷/۸۵	۰/۹۳	استفاده آسیب زا از وسایل دیجیتال
۲۴	۷۹	۶۰/۴۴	۸/۴۸	۰/۹۰	سبک فرزند پروری مقتدرانه
۱۰	۴۸	۲۰/۲۰	۶/۰۴	۰/۸۳	سبک فرزند پروری مستبدانه
۵	۱۹	۱۱/۱۲	۲/۸۵	۰/۶۷	سبک فرزند پروری سهل گیرانه

جدول ۴- بررسی نرمالیتی با آزمون شاپیرو- ویلک و شاخص های چولگی و کشیدگی

متغیر	چولگی	کشیدگی	آماره	سطح معنی داری
تعارض کار- خانواده	-۰/۴۳	-۰/۷۰	۰/۹۵	< ۰/۰۰۱
استفاده آسیب زا از وسایل دیجیتال	۰/۶۲	۰/۰۸	۰/۹۱	< ۰/۰۰۱
اختلال اجتماعی	۱	۰/۸۶	۰/۹۷	۰/۰۰۱
کنترل مختل	۰/۲۴	-۰/۴۷	۰/۹۶	< ۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۸۱	۱/۴۹	۰/۹۴	< ۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۱	۱/۶۲	۰/۹۷	< ۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۲۹	-۰/۳۳	۰/۹۷	۰/۰۰۳

جدول ۵- ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. تعارض کار- خانواده	۱						
۲. استفاده آسیب زا از وسایل دیجیتال	۰/۷۹**	۱					
۳. سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۳۱**	-۰/۱۳	-۰/۱۳	-۰/۱۲	۱		
۴. سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۳۳**	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۴۳**	-۰/۱۷*	۱	
۵. سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۲۹**	۰/۳۸**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	-۰/۱۳	۰/۵۳**	۱

جدول ۶- ارتباط تعارض کار - خانواده با استفاده آسیب زای کودکان از وسایل دیجیتال با نقش واسطه ای سبک فرزند پروری

مقتدرانه

۱۳۰

مسیر	ضریب	ضریب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
تعارض کار-خانواده	<--	استفاده آسب زای کودک از وسایل دیجیتال	۰/۳۹	۰/۹۲	۰/۰۱
فرزند پروری مقتدرانه	<--	استفاده آسب زای کودک از وسایل دیجیتال	۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۱۴
تعارض کار-خانواده	<--	فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۱۵	-۰/۳۲	۰/۰۳
				-۴/۴۴	< ۰/۰۰۱

جدول ۷- ارتباط تعارض کار- خانواده با استفاده آسب زای کودکان از وسایل دیجیتال با نقش واسطه ای سبک فرزند پروری

مستبدانه

مسیر	ضریب	ضریب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
تعارض کار-خانواده	<--	استفاده آسب زای کودکان از وسایل دیجیتال	۰/۳۷	۰/۹۰	۰/۰۱
فرزند پروری مستبدانه	<--	استفاده آسب زای کودکان از وسایل دیجیتال	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۰۳
تعارض کار-خانواده	<--	فرزند پروری مستبدانه	۰/۱۳	۰/۴۱	۰/۰۲
				۵/۹۸	< ۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد تعارض کار-خانواده مادران، پیش بینی کننده قدرتمند استفاده آسب زای دیجیتال در کودکان است. این موضوع را می توان با کاهش زمان در دسترس مادر، فرسودگی هیجانی، کاهش نظارت والدینی و افزایش فشارهای نقش توضیح داد. مطابق با یافته های پیشین، سبک فرزند پروری ساختار نیافته یا سخت گیرانه در شرایط فشار شغلی والدین بیشتر مشاهده می شود و این سبک ها می توانند نیازهای هیجانی و تنظیمی کودکان را تضعیف کرده و آنان را به استفاده

جبرانی از ابزارهای دیجیتال سوق دهند. تنها سبک مستبدانه نقش میانجی نشان داد؛ یعنی افزایش تعارض کار-خانواده، سبک مستبدانه را تشدید کرده و این سبک نیز احتمال استفاده آسیب‌زای دیجیتال را افزایش می‌دهد. سبک مقتدرانه و سهل‌گیرانه چنین نقشی نداشتند. این یافته‌ها پیامدهای عملی مهمی دارد. برنامه‌های حمایت از مادران شاغل، کاهش فشار نقش، آموزش مهارت‌های فرزندپروری و مداخلات سازمانی می‌توانند آثار تعارض کار-خانواده را تعدیل کنند. تعارض کار-خانواده مادران شاغل عاملی مهم در افزایش استفاده آسیب‌زای کودکان از ابزار دیجیتال است. تنها سبک فرزندپروری مستبدانه توانست نقش میانجی داشته باشد. بر این اساس، کاهش تعارضات شغلی و تقویت مهارت‌های فرزندپروری مادران می‌تواند به کاهش آسیب‌های ناشی از استفاده دیجیتال در کودکان کمک کند.

پیشنهاد های پژوهشی را میتوان به این موارد اشاره کرد: انجام مطالعات طولی، بررسی نقش پدران و ساختار خانواده، استفاده از روش‌های چند منبعی (مشاهده و مصاحبه). پیشنهاد های کاربردی شامل طراحی دوره‌های آموزشی سبک‌های فرزندپروری برای مادران شاغل، مداخلات سازمانی برای کاهش تعارض کار-خانواده و آموزش والدین درباره مدیریت استفاده دیجیتال کودکان می‌باشد. پژوهش با یک سری محدودیت هایی همراه بوده مانند گزارش‌دهی توسط مادر و برآورد استفاده دیجیتال به صورت غیرعینی.

منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، مفاخری و باور (۱۴۰۱). تدوین و اعتباریابی پرسشنامه استفاده آسیب‌زا از ابزارهای دیجیتال در کودکان. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۶(۲)، ۴۵-۶۲.
- ۲- رسولی (۱۳۸۸). بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه تعارض کار-خانواده کارلسون. مجله پرستاری ایران، ۲۲(۳)، ۶۰-۷۱.
- ۳- علی‌آبادی، نادری و رحیمی (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری رابینسون در نمونه ایرانی. مجله خانواده و پژوهش‌های راهبردی، ۱۲(۱)، ۵۵-۷۲.
- ۴- علی‌زاده (۱۳۸۰). اعتباریابی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری رابینسون در ایران. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۱(۲)، ۴۸-۲۵.
- ۵- محمدزاده (۱۴۰۱). اعتباریابی پرسشنامه استفاده آسیب‌زای کودک از رسانه‌های دیجیتال. نشریه علوم رفتاری، ۱۴(۱)، ۲۰-۳۴.

منابع انگلیسی

- ۶-Baumrind, D. (۱۹۹۱). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R. Lerner, & A. C. Petersen (Eds.), *The Encyclopedia of Adolescence* (pp. ۷۴۶-۷۵۸). Garland.
- ۷-Carlson, D. S., Kacmar, K. M., & Williams, L. J. (۲۰۰۰). Construction and initial validation of a multidimensional measure of work-family conflict. *Journal of Vocational Behavior*, ۵۶(۲), ۲۴۹-۲۷۶. <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۶/jvbe.۱۹۹۹.۱۷۱۳>
- ۸-Kim, S., & Young, J. (۲۰۲۱). Validity and reliability of the Parenting Styles and Dimensions Questionnaire: A revision of the PSDQ. *Journal of Child and Family Studies*, ۳۰(۴), ۹۲۰-۹۳۲.
- ۹-Robinson, C. C., Mandlco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (۲۰۰۱). The Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ). *Handbook of Family Measurement Techniques*, ۳, ۳۱۹-۳۲۱.
- ۱۰-Vatachi, K., Nishikido, N., & Murashima, S. (۲۰۰۶). Validation of the Japanese version of Carlson's work-family conflict scale. *Journal of Occupational Health*, ۴۸(۳), ۱۸۳-۱۹۰.
- ۱۱-Plant, R. W. (۲۰۰۹). Sample size rule of thumb for regression analysis. *Journal of Applied Psychology*, ۹۴(۲), ۳۵۴-۳۶۰.